

## وقتی آقای نخست وزیر دلال اسناد می شود

۹ آبان ۱۳۹۴ ساعت ۱۹:۰۹

امیرعباس هویدا، در سال‌های پایان جنگ بین‌المللی دوم به استخدام وزارت خارجه در آمده بود. سوابق پدرش در وزارت خارجه و نفوذ انوشیروان سپهبدی، موجب تسهیل امور مربوط به استخدام هویدا شده، موانع موجود بر سر راه استخدام او را از میان برداشته بودند.

پس از گذشت حدود ۱۶ ماه از نخست‌وزیری هویدا، فردی به نام نصرت‌الله احدپور که از رفقای سرلشکر حسن ارفع از روسای ستاد مشترک ارتش ایران بود و سردبیری روزنامه ضیاء شرق - ارگان گروه آسیایی - را به عهده داشت و مانند ارفع، دارای همسری انگلیسی بود و با مأمورین امریکایی و انگلیسی، از قبیل: گراتیان یاتسویچ، تامسون، رمزی، میجر جاکسون، میدلتون و ... رابطه نزدیک و تنگاتنگ داشت و از قضا با حسنعلی منصور نیز روابط پنهانی داشت، در اعلامیه‌ای آشکار و با امضای حقیقی، پرده از سابقه فعالیت‌های امیرعباس هویدا در ترکیه برداشت.

محتوای این اعلامیه که دارای عنوان: «نامه سرگشاده درباره هویدا نخست‌وزیر به پیشگاه مبارک شاهنشاه آریامهر» بوده و در تاریخ ۲۷/۵/۱۳۴۵ منتشر شد، به شرح زیر است:

«به عرض می‌رساند به شهادت شاهنشاه در مدت بیست سال در مواقع سخت و بحرانی کشور، آنچه در قدرت و توان ناچیزم بود، با وسایل مختلف به شاهنشاه و کشور خدمت نموده و شاید در میان بیست میلیون ایرانی، تنها فردی باشم که این خدمت ناچیزم بدون پاداش مانده و هیجده سال است بیکارم و نخواستم به جای خدمت وظیفه مزد دریافت دارم.

سالیان دراز است که به علت بیکاری و در نتیجه گرفتاری‌های مالی و طلبکاران و حسودان و دشمنان فراوان سعی نموده نه تنها در امور سیاسی مملکت دخالت نکنم بلکه از اجتماع دوری جسته‌ام ولی اینک که مملکت و مقام مقدس سلطنت را در خطر مشاهده می‌کنم بنا به همان سوگند و پیمانی که با خدای خود در بیست سال پیش برای خدمت به شاه و مملکت بسته‌ام، با تمام گرفتاری‌های فراوان و خطرات احتمالی، خود را وظیفه دار می‌دانم آنچه از گذشته و حال می‌دانم به عرض مبارک برسانم و دیگر بسته به نظر مبارک است که برای مصالح مملکت چه تصمیمی اتخاذ فرمایند.

اگر شاهنشاه به خاطر داشته باشند در روز اول رأی تمایل به زمامداری دکتر مصدق طی یک اعلامیه، آنچه که در آینده شد به عرض

ملت ایران رسید که در آن روز متوجه نشد و آن چه شد کسی به خاطر نسپرد که چه فردی در روز سخت چه گفته. شاهنشاهها امروز نیز با کمال صراحت به عرض می‌رسانم، بنا به اطلاع به سوابق گذشته امیرعباس هویدا نخست‌وزیر و اقداماتی که امروز می‌نماید، او را خادم به شاهنشاه نمی‌دانم.

امیرعباس هویدا در مقام خیانت به مملکت و شاهنشاه برآمده و اگر تا امروز سکوت نموده، به علت آن بود که چون شایستگی مقام شامخ سلطنت و تسلط کامل شاهنشاه بر اوضاع سیاسی و احاطه شاهنشاه بر امور بر هر فرد ایرانی و جهانیان آشکار است، به خود اجازه جسارت نمی‌دادم. ولی حال امکان آن را می‌دهم که شاهنشاه از خیانت گذشته امیرعباس هویدا بی‌اطلاع باشند و دست به اقدامات کنونی که زده با تطبیق گذشته او خواستم شاهنشاه را در جریان و به عرض مبارک برسانم.

امیرعباس هویدا در زمانی که در آنکارای ترکیه و در سفارت ایران خدمت می‌نمود با وسایلی با منشی دبیر اول یک سفارت بیگانه تماس نزدیک برقرار می‌نماید و چون امیرعباس هویدا با آن منشی، هر دو از مذهب بهایی بودند، این دوستی و الفت به یک عشق شدید تبدیل، تا جایی که آن منشی حاضر می‌شود به دولت متبوعه خود خیانت نماید و برای آقای امیرعباس هویدا از روی اسناد و مدارک سیاسی بسیار مهمی عکسبرداری کند و تازه آن دختر بیچاره و بدبخت تصور می‌کرده که امیرعباس هویدا، عاشق سرسخت او، این مدارک را برای دولت ایران می‌خواسته و شاید به خاطر خدمت به عاشق خود، که او را در ایران موفق بدارد به چنین عملی خطرناک مبادرت نمود.

این دختر که بنام «مارگریت الن» نامیده می‌شد، با وسایلی که معلوم نیست به صندوق اسرار سفارت دستبرد می‌زند، غافل از آنکه آقای امیرعباس هویدا این اسناد را به جای تحویل به مقامات ایرانی، به یک دولت و سفارت رقیب می‌فروخته یا معامله سیاسی می‌کرده تا اینکه به زودی رقیب که در سیاست بسیار تازه کار بوده یا هستند، اسناد و مدارک سرقت شده را که مقداری از آن مربوط به ارتباط بالکان و ترکیه با دولت شوروی بوده، به رخ رقیب می‌کشند و پس از یک تحقیقات مختصر مارگریت الن دستگیر و به کشور خود دست بسته و بسیار محرمانه فرستاده می‌شود و دخترک بدبخت در زندان به علت فشار روحی و ترک خانواده او، که از خانواده درجه اول بودند، خودکشی می‌نماید یا او را می‌کشند. دیگر از آن اطلاعی ندارم.

امیرعباس هویدا از آنجا برای خود جای پایی در سازمان اطلاعاتی آن کشور باز می‌نماید ولی کوشش سازمان ضداطلاعات رقیب بی‌اطلاع بود که امیرعباس هویدا چنین دسته‌گلی به آب داده یا اصلاً از چنین قیافه دلچکی چنین کار می‌آید. امیرعباس هویدا به نفت آمد و اینجا بود که به خدمت خود یک قدم مؤثر دیگر اضافه کرد و جاسوس دو طرف گردید، ولی همواره طرف ارباب اصلی خود در آنکارا را رعایت می‌کرد و زمانی که منصور در کابینه جناب آقای دکتر اقبال بود، به راهنمایی همین مرد، هر روز گزارش هیئت دولت را به سفارت مربوطه می‌بردند... و اینک نیز آقای هویدا، در مورد معامله موشک و خرید اسلحه نیز اقداماتی نموده که چاکر صلاح نمی‌دانم در این عریضه سرگشاده به عرض برسانم و حاضرم در یک محکمه یا حضوراً به عرض برسانم. با وجودی که امکان هر خطری برای چاکر موجود است ولی به خاطر سعادت شاهنشاه که سعادت ملت ایران است، به چنین فداکاری مبادرت و به صراحت عرض می‌کنم که امیرعباس هویدا خیال خامی در سر دارد و خیانت او به شاهنشاه برای چاکر محرز و مسلم است.»

اعلامیه نصرت‌الله احدپور که به تعداد زیادی تکثیر و در ۵۰۰ پاکت، برای ارسال به شخصیت‌ها و مکان‌های مختلف، آماده شده بود، به دست ساواک افتاد و بر اساس همین مسئله، به ساواک احضار گردید و در مورد فعالیت امیرعباس هویدا در آنکارا، گفت:

«مطلب در مورد آنکارا و ارتباط با دوشیزه مارگریت الن توسط خواهر مارگریت الن که از مأمورین یکی از دوستان انگلیسی من بود، نقل نموده بود و آن دوست من به من ابراز داشت. اینک از آقای بازجوی خود اخلاقاً تعهد می‌گیرم که این بازجویی چون با مصالح سیاسی مملکت و ارتباط خارجی تماس دارد، به وسیله مقام مؤثر سازمان امنیت از شرف عرض ملوکانه گذشته و تأکید می‌کنم که فقط به خاطر حفظ مصالح شاهنشاه و مملکت استدعا می‌نماید در حفظ نام کشور مربوطه دقت کافی شود و آن دوست من آقای میدلتون بود که سابقاً کاردار سفارت انگلیس در تهران بود و چند سال قبل برای من در سوئیس نقل نمود. و در مورد انتقال خبر توسط مرحوم منصور از هیئت دولت به سفارت امریکا (شخص سفیر سابق امریکا چی‌پن) چون یقیناً آقای منصور دوست صمیمی هویدا بود و شاید هویدا استاد ایشان در سیاست بود، نمی‌تواند بدون اطلاع آقای هویدا باشد ... از اینکه مارگریت الن بهایی بوده است، تردیدی نیست و چون معروف است که پدر آقای هویدا به نام عین‌الملک با رهبر بهایی‌ها تماس نزدیک داشته و منصور در موقع معاونت نخست‌وزیری، روزی از او پرسید: این راست است هویدا رفیق تو بهایی است. خندید و گفت: حالا که دیگر بهایی و مسلمان ندارد ...»

حسن ارفع در خاطرات خود که نام «در خدمت پنج پادشاه» را بر آن نهاد، پیرامون معرفی و ماجرای امیرعباس هویدا در ترکیه، نوشت:

«امیرعباس هویدا، در سال‌های پایان جنگ بین‌المللی دوم به استخدام وزارت خارجه در آمده بود. سوابق پدرش در وزارت خارجه و نفوذ انوشیروان سپهبدی، موجب تسهیل امور مربوط به استخدام هویدا شده، موانع موجود بر سر راه استخدام او را از میان برداشته بودند.

هویدا تحصیل کرده بلژیک و فرانسه بود و به ادبیات فرانسه، بسیار عشق می‌ورزید و بیش از آنکه خود را ایرانی بداند، احساس فرانسوی بودن می‌کرد، یا می‌کوشید خود را فرنگی مآب جلوه دهد. من به واسطه سابقه طولانی نظامی‌گری، با انضباط و خصوصیات ویژه نظام رشد کرده و خو گرفته بودم، بدین لحاظ در اداره سفارت ایران سعی می‌کردم امور، نظم و ترتیب درستی داشته باشند.

همه به خوبی می‌دانند، سفارتخانه‌ها در آن ایام کار زیادی برای انجام دادن، نداشتند و به سفارت رفتن مقامات وزارت خارجه و رجال سیاسی نوعی بیلاق رفتن تلقی می‌شد، اما اوضاع سفارت ایران در ترکیه با سایر سفارتخانه‌ها به کلی فرق می‌کرد. ساعت شروع کار را رأس ساعت هشت صبح قرار داده بودم و کلیه پرسنل را در این ساعت به خط کرده، شخصاً از آنها آمار می‌گرفتم تا از حضور کادر سفارتخانه مطمئن شوم.

هویدا که رفتار و حرکاتش اصلاً متناسب با پرستیژ یک نفر دیپلمات نبود، عموماً در این مراسم حضور و غیاب حاضر نمی‌شد و

مرتباً یا با تأخیر به محل کارش می‌آمد و یا اصلاً غیبت می‌کرد. چند بار در مورد علت تأخیر ورود و یا غیبت‌های مکررش تحقیق کردم و معلوم شد ایشان از طرف محفل جهانی بهائیان، مأموریت رسیدگی به امور بهائیان مقیم ترکیه را دارد، که ضمن اشتغال به کار در سفارت ایران و با استفاده از موقعیت دیپلماتیک و پاسپورت سیاسی، نهایت سعی خود در خدمت به بهائیان را معمول می‌دارد.

سازمان اطلاعاتی ترکیه که فعالیت سفارتخانه‌های خارجی را زیر نظر داشت، متوجه رفتار خلاف شئون دیپلماتیک هویدا شده و چند بار به طور غیر مستقیم این مطلب را به ما گوشزد کردند. من در مقام سفیر، چند بار سعی کردم هویدا را به تهران برگردانم، اما او که توسط حامیان پر قدرت بهائی‌اش در تهران پشتیبانی می‌شد، بیدی نبود که با این باده‌ها بلرزد. برگشتن او به تهران و انتقال یافتن او از وزارت خارجه به شرکت نفت هم به صلاحدید همان حامیان پر قدرتش صورت گرفت و ربطی به سوء رفتار دوران خدمت او در آنکارا نداشت.»

منبع: ابراهیم ذوالفقاری ، قصه هویدا، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، بهار ۱۳۸۶ ، ص ۸۶ تا ۹۲

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۱۹۸۹/نخست-آقای-وقتی/۳۱۹۸۹>